

بسم الله الرحمن الرحيم

آثار تربیتی امنیت فرهنگی زنان در جامعه از نظر وحی و عقل

مریم هودرجی، هانیه بصیری، نگین لطفی

یگانه محمودی

مقدمه:

جوهر انسانیت زن است این حق ماست که خوشبین باشیم چون پیشتازی جنبشی زنانه را مشاهده می کنیم که ستونی از ستونهای حرکت اصلاحی را تشکیل می دهد و هر فعالیتی که می کند حرکتی تاریخی در ایجاد جامعه متمدن است.

زن جزئی از نیروهای فعال در ساختن جامعه انسانی است زن نقش بسیار مهم در جامعه دارد و جامعه باید برای زن فرصت افزایش معلومات اجتماعی و فرهنگی و علوم دیگر را مهیا کند پس زن باید مسئولیت خویش را در قبال جامعه که با شرکت در زمینه های فرهنگی تربیتی اجتماعی و سیاسی و همچنین شرکت در رشد و نمو اقتصادی و زمینه های منزه کردن اخلاقی رسانه ها و گسترش آگاهی دینی نمایان می شود به نحو احسن انجام دهد (اسما امین حسن مقاله زن مسلمان در بیداری اسلامی در کتاب زنان و بیداری اسلامی سال چاپ تابستان ۹۱)

زن برای حضورش در جامعه برای فعالیت های فرهنگی و اجتماعی نیازمند امنیت است امنیتی که خود زن نیز در به وجود آمدن آن نقش بسیار مهمی دارد امنیت از ردیف نیاز های نیازهایی است که با زوال آن آرامش خاطر از بین می رود که در این مقاله به آثار تربیتی امنیت می پردازیم

۱_ امنیت

امنیت نعمتی که هرگز زن به قدر نیاز از آن برخوردار نشد حقی که هیچگاه به صاحبش ادا نگردید

یکی از مسائلی که در هر فرهنگ تمدن و در زندگی اجتماعی همه انسانها رکن اساسی میباشد برخورداری از نعمت «امنیت» است که لازمه هر نوع زندگی سالم و طبیعی بوده و بدون آن نقش و اثر حیات بخش سایر نعمتها مکتوم یا به طور کلی خنثی شده و می تواند منشأ محرومیت های حاد و مهلکی به شمار رود موضوع «امنیت» که در تمام سطوح جوامع بشری قابل طرح و مطالعه است مسئله تازه ای نمی باشد و از بدو، آفرینش منظور نظر و مورد توجه آدمی واقع شده است و با اینکه همواره برای ایجاد و ادامه آن تلاشها و کوشش ها مبارزات و مجاهدات و طراحی های وسیعی در سطح جهانی و به طرق مختلف صورت گرفته و میگیرد اما باید پذیرفت که تاکنون جوامع بشری هرگز موفق نشده اند که به طور مطلق و مستمر بدان دست یابند و به مفهوم واقعی از آثار وجودیش برخوردار گردند. (نگاه پاک زن و نگاهی آلوده به او احمد صبوراردوبادی ص ۱ انتشار ۱۳۹۰ چاپ دوم)

در بیان ارزش و اثر وجودی «امنیت» همین بس که به این جمله کوتاه از تعلیم حضرات پیشوایان اسلام توجه نمائیم که فرموده: اند «النعمة نعمتان الصحة والامان نعمت (اصلی) دواست تندرستی» و «امنیت» یا در عبارتی دیگر نعمتان مجهولتان الصحة والامان؛ دو نعمت است که قدرشان برای بشر مجهول میباشد تندرستی و امنیت در این بیان، ساده پیشوایان بزرگ دین در واقع خواسته اند تا حقیقت بزرگی را بیان کنند و آن این که همه نعمتها در اصل در سایه این دو نعمت اصلی و بزرگ مثمر ثمر واقع میشوند و بدون آنها بشر قادر نمی باشد تا از وجود سایر نعمتهای رنگارنگ جهان برخوردار گردد یعنی بدون آنها سایر نعم عالم برای بشر در حکم عدم است زیرا بدون دسترسی به تندرستی و یا بدون داشتن آسایش و آرامش درونی و بیرونی نه تنها احساس لذت از وجود سایر نعمتها ممکن نیست بلکه درک وجود آنها نیز در مراتبی غیر ممکن خواهد بود. (احمد صبور همان ص

مقام معظم رهبری دربیانات خود راجب زنان و حضور آن ها در جامعه چنین بیان می کند

مفهوم قرآنی امنیت

- امنیت مصدر جعلی از ریشه " ا-م-ن " به معنای درامان بودن ، ایمنی و آسودگی (محمد مرتضی حسینی زبیدی، 1414ق) آرامش یافتن نفس و از بین رفتن هراس و نگرانی است . (راغب اصفهانی ، 1369 : ج 1، ص 90) کاربرد وسفی آن در مواردی مانند " البلد الامین " (: تین 3/95) و " قریه کانت آمنه " (نحل 16/ 122) به معنای مطمئن ، آرام و آسوده خاطر است .
- امنیت (حاصل مصدر) برگرفته از واژه امن است ، امن ضد ترس و به گفته برخی نقیض آن است (محمد بن مکرم ، 1374) بنابراین امنیت یعنی آرامش و نبود ترس و وحشت (هاشمی رفسنجانی ، 1383: ج 4 ، ص 376)
- امن : ایمنی ، آرامش قلب ، خاطر جمع بودن (علی اکبر قرشی بنابی ، 1371: ج 1، ص 123
- امنیت یعنی در امان بودن ، این مفهوم از ریشه امن 45 بار ، وقی 17 بار و با واژه سلم 1 بار و اطمأن 1 بار آمده است .

ضرورت امنیت در جامعه

امنیت از مهم ترین و ضروری ترین نیاز های زندگی بشر است و انسان تنها در پرتو آن می تواند امور دنیوی و اخروی خویش

را با آسایش خاطر سامان دهد. از این رو ، ایجاد امنیت در شئون مختلف زندگی مردم برای رسیدن به آنچه که مایه رشد و تعالی آنان است ، از وظایف اساسی و حتمی حکومت اسلامی است . (محمود هاشمی شاهرودی ، 1426ق: ج 1 ، ص 664)

از آنجا که یکی از اساسی ترین نیاز های آدمی به شمار می رود ، در اسلام ، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است

در فلسفه سیاسی اسلام امنیت به معنای مصونیت حقوق هر فرد از هر نوع تعرض است و همچنین مفهومی از امنیت ، مصالح عمومی ، عدالت ، آزادی و رفاه و ... را نیز در بر می گیرد . در اسلام ، مفهوم وسیع امنیت ، هم شامل امنیت درونی (طمأنینه نفس) و هم شامل امنیت برونی می شود . منظور از امنیت درونی ، همانا آرامش خاطری است که در اثر مبارزه با هواهای نفسانی ، همراه با عنایات ویژه رحمانی در جهت رسیدن به مرحله (نفس مطمئنه) ، برای مؤمن فراهم می آید . (هادی رجبی

و خدا کرم عبدی ، 1398)

زن مایه‌ی سکونت و آرامش است

آن کسانی که کانون خانواده را تحقیر میکنند ، خیانت میکنند ؛ هم به ملت ، هم به زن [یعنی] به جامعه‌ی زنان. آن کسانی که وانمود میکنند عدالت جنسیتی به این است که در همه‌ی میدانهای که مرد ها وارد میشوند ، زن ها هم باید وارد بشوند ، اینها خیانت میکنند به اعتماد زن و به حرمت و شخصیت و هویت زن. زن محترم است ، هیچکس هم نگفته که زن در میدانهای اجتماعی وارد نشود یا مسئولیت نگیرد یا علم پیدا نکند ؛ نه ، امروز جزو بهترین دانشمندان ما ، جزو بهترین نویسندگان ما ، جزو بهترین شخصیت های فرهنگی ما ، زنان بی شماری هستند که امروز در جامعه‌ی ما حضور دارند ؛ این هم هنر انقلاب است ؛ این را بدانید ، قبل از انقلاب چنین چیزی وجود نداشت ! بسیار بسیار محدود بودند کسانی از زنان که توانسته باشند به رتبه های عالی علمی و فرهنگی و ادبی و مانند اینها برسند ؛ امروز بسیار زیادند ؛ این هنر انقلاب بود که این کار را کرد ؛ این به خاطر همین است که الگوی زن مسلمان اصلاً این است ؛ اما در عین حال مدیر

خانواده زن است، محور کانون خانواده زن است، مهم‌تر از همه‌ی مشاغل زن، مادری، همسری و ایجاد آرامش و سکینه است. وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ سوره مبارکه الأعراف آیه ۱۸۹ مایه‌ی سکونت و آرامش است؛ این خصوصیت زن در اسلام است و در روز زن این چیزها را بایستی انسان توجّه کند. البته به بانوان محترم ایرانی و مسلمان و مؤمن به این مفاهیم اسلامی و قرآنی، توصیه می‌کنیم که اینها را حفظ کنند، روزبه‌روز افزایش بدهند؛ از آفتهایی مثل اسراف، مثل چشم‌وهمچشمی‌های منفی -مثل رقابتهای منفی، مثل الگو گرفتن از زن منحرف غربی- پرهیز کنند؛ مراقب خودشان باشند. زن مسلمان، امروز در کشور ما سرافراز است. زن ایرانی این امتیاز را دارد که هویت مستقلّ فرهنگی دارد و تحت تأثیر دیگران قرار نمی‌گیرد؛ این را باید در خودتان حفظ کنید. ۱۷/۱۲/۱۳۹۶

بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام

تثبیت حضور زنان در عرصه های اساسی سیاسی و اجتماعی در اسلام

اسلام در مقابل جاهلیتی که به زن ظلم می‌کرد، ایستادگی کرد؛ هم در میدان معنویت و فکر و ارزشهای انسانی، هم در میدان حضور سیاسی و هم از همه بالاتر در عرصه‌ی خانواده. زن و مرد، ناگزیر اجتماع کوچکی به نام خانواده دارند که اگر در جامعه‌ای ارزشگذاری درست صورت نگیرد، اولین نقطه‌ای که به زن ستم می‌شود، داخل خانواده است. در هر سه عرصه، اسلام ارزشگذاری کرده است.

در زمینه‌ی مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت‌ها هستند. در قرآن وقتی می‌خواهد برای انسانهای مؤمن مثال بزند، می‌فرماید: «و ضرب الله مثلا للذين آمنوا امرأة فرعون»؛ (سوره مبارکه التحريم آیه ۱۱) از یک زن مثال می‌زند. آنجایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزشهای انسانی و اسلامی و معنوی است، می‌فرماید: «انّ المسلمين والسلمات والمؤمنين والمؤمنات والقانتين والقانتات والصادقين والصادقات والصابرين والصابرات». (سوره مبارکه الأحزاب آیه ۳۵) در این آیه ده عنوان برای ارزشهای معنوی ذکر می‌شود؛ اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع و دیگر چیزها. زن و مرد در این میدان، دوش به دوش حرکت می‌کنند و پیش می‌روند؛ هر دو را ذکر می‌کند. این بت‌مردگرایی را که در جاهلیت‌ها همیشه به وسیله‌ی مردان و حتی به وسیله‌ی زنان پرستیده می‌شد، اسلام در این آیات می‌شکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیعت زن را یک امر لازم و یک مسأله‌ی زنده معرفی می‌کند. شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدّعی دفاع از حقوق زنان هستند - که تقریباً همه‌اش هم دروغ است - تا دهه‌های اوّل این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حقّ رأی نداشتند، نه فقط حقّ گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حقّ مالکیت هم نداشتند. یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود؛ اموال او در اختیار شوهر بود! در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی، تثبیت شده است: «اذا جئاک المؤمنات یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله». (سوره مبارکه الممتحنة آیه ۱۲) زنها می‌آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند. پیغمبر اسلام فرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آنها، هرچه که آنها رأی دادند، هرچه که آنها پذیرفتند، زنها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زنها هم بیعت می‌کنند؛ آنها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند. غربیها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادّعاها را می‌کنند! در زمینه‌ی مالکیت نیز همین‌طور؛ و در زمینه‌های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است. ۳۰/۰۶/۱۳۷۹. بیانات در دیدار جمعی از بانوان

از نظروحي در قرآن کریم توصیه‌هایی به زن شده است که با رعایت آن‌ها در زندگی می‌تواند برای خود زن امنیت را به وجود ببارد که تاثیر مستقیم در تربیت و امنیت جامعه دارد

قرآن سه توصیه مهم به خانم‌ها دارد: نخستین توصیه، رعایت حجاب است که در چند آیه مطرح شده است: «و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یتبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی وجوههن و لا یتبدین زینتهن الا لبعولتهن او ابائهن او ابائهن او اباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء بعولتهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او نسائهن او ما ملکت ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربة من الرجال او الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء و لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یشفین من زینتهن و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم

تفلحون؛(نور،31) و به زنان مؤمن بگو: چشمهایشان را فرو اندازند و دامنهایشان را حفظ کنند و زینتهایشان را جز آنچه ظاهر است، در دید دیگران آشکار نسازند. سینه و بر و دوش خود را با مقنعه بپوشانند و زینتهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانیشان یا پدر شوهر هاشان یا پسرانشان یا پسر شوهرانشان یا برادرشان یا پسر برادرانشان یا خواهرانشان یا زنانشان (زنان مسلمان) یا کنیزهایشان یا مردانی که از تبعه خانواده و بی رغبت به زن هستند یا کودکی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیست (آری زینتهایشان را جز برای اینان که نام بردیم) آشکار نسازند و پاهایشان را طوری به زمین نزنند که خلخال و زیورهای پنهانشان معلوم شود. و همگی به درگاه خدا توبه کنید ای مؤمنین، باشد که رستگار شوید». دومین توصیه به خانم ها این است که با مرد اجنبی، کمتر اختلاط داشته باشند. البته اگر زن با رعایت حدود حجاب شرعی در بازار رفت و آمد کرد، از نظر قانونی، قابل تعقیب نیست، مگر این که به فساد و فحشا کشیده شود؛ اما از نظر اخلاقی، زن مسلمان، موظف است خود را از مرد اجنبی دور نگهدارد و سعی کند که کارش در محیط خانه باشد. البته گاهی ممکن است شرایط خاصی پیش آید و مصالح اجتماعی و سیاسی، اقتضای شرکت زنان در اجتماعات داشته باشد که در این صورت نیز تا آنجا که ممکن است، باید اجتماعات زنها جدای از مردها باشد؛ زیرا اختلاط زن و مرد اجنبی، به ویژه اگر زن آرایش کرده باشد، از نظر اسلام، دارای ارزش اخلاقی منفی است. خداوند در این باره می فرماید: «و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی؛ (احزاب، 33) در خانه خود بمانید و چون زنان دوران جاهلیت نخستین، با آرایش در میان مردم ظاهر نشوید».

سومین توصیه به خانم ها، رعایت حیا است. حیا به این معنا است که انسان به خاطر ترس از آلوده شدن به گناه، خود را از مظان آلودگی به گناه دور بدارد. بنابراین، هر گونه کم رویی یا ضعف نفس را نمی توان حیا نامید. قرآن کریم، در داستان دختران شعیب می گوید: «فجائته احدهما تمشی علی استحياء» (قصص 25) پس یکی از آن دو (دختران شعیب) آمد نزد او (موسی) در حالی که همراه با شرم و حیا گام بر می داشت».

از این آیه، استفاده می شود که حیا برای زن، دارای ارزش اخلاقی ویژه است.

توصیه چهارم به خانم ها آن است که در هنگام سخن گفتن با مردان، وقار و متانت را رعایت کنند و کیفیت سخن گفتن شان به گونه ای نباشد که هوس آنان را بر انگیزد. خداوند در این باره می فرماید: «فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا» (احزاب 32) پس در گفتار خود، آن چنان با نرمی و لطافت سخن نگوئید تا آنان که دل بیماری دارند، در شما طمع نکنند». البته این، توصیه ای به همسران پیامبر است؛ اما مسلماً یک توصیه اخلاقی است که رعایت آن برای هر زن مسلمان رجحان اخلاقی دارد.

اخلاق در قرآن، ج 3، آیت الله مصباح یزدی.

امنیت اخلاقی و فرهنگی یکی از مهمترین مباحث اخلاقی در عصر حاضر بوده، جایگاه و اهمیت امنیت اخلاقی در زندگی اجتماعی تا بدانجاست که حتی عمل کردن به قوانین و مقررات اجتماعی نیز بدون پشتوانه اخلاق ممکن نیست و اخلاق، بهترین ضامن اجرای قوانین و مقررات است. از این رو، امنیت اخلاقی، از مهمترین هدفهای ارسال پیامبران به شمار می رود و بدون آن، نه دین برای مردم مفهومی خواهد داشت و نه دنیای آنها سامان می یابد.

می توان گفت زنان با حفظ الگوی اسلامی و حریم و عفاف و حجاب و با بهره گیری از اندیشه امام خمینی می توانند نقش بسیار مؤثری در این عرصه داشته باشند که نتیجه این امر، سلامت جسمی، کمال معنوی و آرامش روانی، تحکیم بنیان خانواده، سلامت و طهارت نسل می باشد. امام خمینی، الگوبرداری زنان را از سیره ائمه معصومین (ع) مهمترین راه و روشی می داند که زنان با حفظ آن می توانند در امنیت اخلاقی جامعه سهیم باشند.

امنیت یکی از نیازهای اصلی جامعه است و ابعادی مثل امنیت اقتصادی، سیاسی، جانی و روانی دارد، اما به نظر می رسد که از ابعاد مهم آن امنیت اخلاقی است. امنیت اخلاقی به این معناست که افراد جامعه از جهت اخلاقی در

جامعه ایمن باشند، یعنی همانطور که جان انسانها در امنیت است و کسی حق تعرض به آن را ندارد، افراد جامعه باید از جهت اخلاقی نیز مصونیت داشته باشند.

البته شکی نیست که اخلاق در مکتب های مختلف به شکل های مختلف مطرح می شود و هر مکتبی نگرش خاصی در مورد اخلاق دارد. از این جهت امنیت اخلاقی نیز مصادیق گوناگون می یابد. در این تحقیق چون در مورد امنیت اخلاقی از منظر قرآن و روایات بحث می شود، مقصود از اخلاق، اخلاق اسلامی و امنیت اخلاقی نیز از این جهت مطرح می گردد.

اما امنیت اخلاقی به دو شکل برای فرد حاصل می شود. اول اینکه مسائل اخلاقی در جامعه رعایت شود تا فرد در معرض اعمال غیر اخلاقی مثل دروغ، مسائل جنسی، مشاجره و غیره قرار نگیرد که در روحیه او تأثیر گذاشته و او را به سوی بی اخلاقی بکشاند. دوم اینکه فرد از نحوه ای مصونیت درونی برخوردار شود تا مسائل غیر اخلاقی بر او تأثیر نداشته یا کمتر تأثیرگذار باشد. از این جهت امنیت اخلاقی دو بعد دارد، بعد فردی و بعد اجتماعی که هر یک به نوبه خود در شکل گیری امنیت اخلاقی در جامعه تأثیر گذار است. با توجه به این دو بعد، می توان گفت که امنیت اخلاقی دارای مؤلفه های متعددی است.

اولین مؤلفه آن مباحث اعتقادی است که هم به فرد و هم به جامعه باز می گردد. در ایران اسلامی نیز ارزشهای برخاسته از دین مبین اسلام، این وظیفه خطیر را بر عهده دارند. بدیهی است که تضعیف این ارزشها به هر عنوان و پوششی که باشد، باعث ایجاد شکاف بین مردم خواهد شد. در بین این ارزشها، برخی به نمادی آشکار برای آن فرهنگ تبدیل می شوند. در جامعه ایران، پوشش اسلامی یکی از این نمادها است و چون یکی از ارزشهای اساسی نظام اسلامی است، به یک الگوی رفتاری عام تبدیل شده است. آنچه در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی تصریح شده، لزوم پوشیدگی زن در اجتماع و در برابر مرد بیگانه است که یکی از اصول مهم اسلامی به شمار می رود.

مبحث اول: امنیت اخلاقی

در فرهنگ های لغت، معانی متشابهی برای واژه اخلاق بیان شده است. بر همین اساس واژه اخلاق جمع خُلُق و خُلُق است که در لغت به معانی «مفاهیم خوی ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی، طبع، مروت، خوش رفتاری» آمده است. (دهخدا، علی اکبر، ج 1، ص 1537)

به عبارتی دیگر در زبان فارسی و کاربردهای آن، چهار معنا برای اخلاق بیان شده است:

الف) مجموعه عادت ها و رفتارهای فرهنگی پذیرفته شده میان مردم یک جامعه؛

ب) وضع روحی و رفتاری شخص؛

ج) خوی های پسندیده، رفتار شایسته و پسندیده مانند:

یکی از تلاش‌های عمده دشمن برای توفیق یافتن در تحقق اهداف شومش، مسأله ایجاد حالت بی‌اعتنایی به ارزش‌های اخلاقی است. او می‌کوشد تا با شکستن قداست و حرمت ارزش‌ها در منظر فرد، او را نسبت به مسائل ارزشی، لابی‌ال و دچار اباحه‌گری نماید و فرد وقتی دچار اباحه‌گری گردید، دیگر امکان مقابله با تهاجمات بی‌امان فرهنگی را هم از دست می‌دهد و دقیقاً دشمن همین طرح شوم را در رابطه با زنان جامعه اسلامی ما به اجرا گذاشت. با نقش‌ها و تاکتیک‌های بسیار کارشناسانه و دقیق، ابتدا هجمه‌ای ناجوانمردانه به نظام ارزشی زنان وارد نمود و با ایجاد شبهه و تردید نسبت به مقدساتی مثل حجاب، عفت، حیا و... باور زنان را نسبت به این ضرورت‌های دینی دچار تزلزل نمود و بعد هم و شیطان نماهاست. همان طور که در آیه مبارکه قرآن آمده است: «و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین... (3)؛ هر کس از یاد خدا رخ بتابد شیطان را برمی‌انگیزیم تا یاور و همنشین دائم وی باشد»، در اثر فراموشی خداست که گرفتاری‌ها و ناهنجاری‌ها در جامعه گسترش پیدا می‌نماید. اگر يك نگاه جامعه‌شناسانه و دقیق به معضلات اجتماعی و انحرافات اخلاقی داشته باشیم بسیاری از آنها ریشه در همین مسأله دارد. چرا که یکی از عوامل عمده و مهم بازدارنده انسان از گناه و مفاسد، ذکر و یاد خداست. همان طور که در آیه مبارکه آمده است، اگر یاد خدا نباشد همنشین انسان شیطان می‌شود و طبق آیات دیگر قرآن، کار شیطان: ایجاد گمراهی (60 / نساء)، غرور (120 / آل عمران)، عداوت و بغضاء (91 / مائده)، نزاع و درگیری (53 / اسراء)، امر به فحشاء و منکر (21 / نور)، زیبا جلوه دادن اعمال سوء (38 / عنکبوت)، جدال و درگیری (121 / انعام)، تبذیر و اسراف (27 / اسراء)... می‌باشد.

اگر در بین زن و شوهر عداوت و نزاع و درگیری و جدال وجود دارد و تحمل و مقاومت خانم‌ها در قبال مشکلات و مسائل اجتناب‌ناپذیر زندگی دنیایی کاهش یافته است و یا فحشاء و منکر در جامعه رواج پیدا نموده و اعمال زشت و ناپسند به عنوان هنجار و ارزش در جامعه نمود پیدا نموده است و تبذیر و اسراف به جای صفت ارزشمند قناعت قرار گرفته و کمتر روحیه صبر و تحمل و ایثار و همدلی و همکاری در جامعه وجود دارد آیا چیزی جز فراموشی یاد خدا و نزدیکی به شیطان است؟ و آیا اینها جز نتایج نزدیکی دایم و همنشینی با شیطان است.

جامعه ما کم و بیش تبدیل به جامعه‌ای شده است که در يك مقاطع خاصی رویکرد مقطعی نسبت به یاد و ذکر خدا دارد و افراد با حضور در محافل و مجالس مذهبی، این نیاز روانی خود را پاسخ می‌دهند. ذکر و یاد خدا به صورت مقطعی به طور طبیعی نمی‌تواند در بازدارندگی انسان از فحشاء و فساد و مسائل ضداخلاقی تأثیرگذار باشد و تنها زمانی یاد و ذکر خداوند می‌تواند ما را از فحشاء و زشتی‌ها بازدارد که به صورت مستمر و دایم باشد و در حال حاضر جامعه ما فقط در اوقاتی خاص اکتفا به ذکر و یاد خدا می‌نماید و در بقیه اوقات آن گونه زندگی می‌کند که خود می‌خواهد و یاد خداوند را به فراموشی می‌سپارد؛ این است که از آثار خوب این مسأله هم بی‌بهره می‌ماند. البته دشمن با ایجاد اشتغالات فکری و ذهنی کاذب و غیرواقعی سعی در فراموشی یاد خدا می‌کند چرا که در این صورت است که می‌تواند نقشه‌های شیطانی خود را به اجرا گذارد.

عدم کنترل و نظارت اجتماعی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در رفتار و فرهنگ جامعه، مسأله کنترل و نظارت اجتماعی است. اصل کنترل اجتماعی مفهومی مهم در جامعه‌شناسی است. امروزه دانشمندان غربی به ویژه اندیشمندان اجتماعی، به طور جدی آن را مطرح و پیگیری می‌کنند و در سه دهه اخیر مسأله کنترل اجتماعی بسیار جدی در حوزه فکر و اندیشه صاحب نظران تعقیب می‌شود.

چنانکه «دورکیم» می‌نویسد:

«انسان هر چه بیشتر داشته باشد، بیشتر هم می‌خواهد و برآورده شدن هر نیازی به جای کاستن از آرزوهای انسان، نیازهای تازه‌ای را برمی‌انگیزد. از این سیری ناپذیری طبیعی نوع بشر، چنین برمی‌آید که آرزوهای انسان را تنها با نظارت‌های خارجی، یعنی با نظارت اجتماعی می‌توان مهار کرد.» (4).

دورکیم در ضرورت کنترل تا آنجا پیش می‌رود که یکی از عوامل ناهنجاری را عدم نظارت و کنترل اجتماعی می‌داند. لوئیس کوزر به نقل از دورکیم می‌نویسد:

«هر گاه نفوذ نظارت کننده جامعه به گرایش‌های فردی، کارآیی خود را از دست بدهد و افراد جامعه به حال خود واگذار شوند جامعه به بی‌هنجاری دچار خواهد شد(5)».

در آموزه‌های دین اسلام هم مسأله نظارت و کنترل اجتماعی به صورت خیلی جدی مطرح شده است. از رسول اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و امام صادق(ع) در این خصوص روایات متعددی وارد شده است. از جمله این روایت را امام صادق(ع) از رسول اکرم(ص) نقل کرد که رسول خدا(ص) فرمود:

«هرگاه هنجارشکنی، حریم‌شکنی و معصیت خدا به صورت علنی و آشکار صورت پذیرد، هر چند هنجارشکنان اندک و اکثریت مردم، افرادی قانونمند و هنجارمند باشند، ولی این اکثریت نظارت و کنترل را رها کنند، عذاب خواهند شد.»

آن گاه امام صادق(ع) خود دلیل عذاب اکثریت بی‌توجه به نظارت اجتماعی را این چنین بیان فرمود:

«و ذلك انه يذل بعلمه دين الله و يقتدى به اهل عدوة الله(6)». یعنی خدا اکثریت هنجارمند، ولی بی‌توجه به نظارت اجتماعی را به این دلیل عذاب می‌کند که آنان با ترك نظارت و کنترل بر افراد هنجارشکن، به کجروان جامعه فرصتی می‌دهند تا به صورت علنی و آشکار، دین خدا و عقاید و باورهای عمومی مسلمانان را به تدریج ضعیف و هنجارشکنان احساس پیروزی کنند و فرهنگ دینی به حاشیه برود و فرهنگ کجرو غالب گردد.

حضرت علی بن ابی‌طالب(ع) نیز در وصیت خویش به فرزندان در خصوص بی‌توجهی به نظارت و کنترل انحرافات یادآور می‌شود که هرگاه نظارت بر رفتارها را رها کنید، نتیجه آن تسلط انسانهای هنجارشکن و کجرو و منحرف بر جامعه صالحان است. در آن صورت طلب خیر و استمداد از خدای سبحان سودی ندارد و خدا پاسخ مثبت نخواهد داد. زیرا تسلط افراد کجرو و منحرف بر فرهنگ جامعه، نتیجه سستی و بی‌توجهی شما به وظیفه اجتماعی خود، یعنی نظارت و کنترل اجتماعی می‌باشد(7).

در نامه 31 نهج البلاغه حضرت بخصوص ضرورت کنترل و نظارت همسران به عنوان مدیر خانه بر خانم‌ها را به فرزندشان امام حسن(ع) سفارش می‌کند:

«زنان را در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند [از اختلاط‌های فسادآور ممانع شوید]، زیرا که دقت در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن [و تبرج و خودنمایی آنان در اجتماع] زنان بدتر از آن نیست که افراد غیرصالح را در میانشان آوری.»

همان طور که ملاحظه می‌کنید این رهنمود امام ضرورت کنترل و نظارت بر خانواده را گوشزد می‌کند. به هر حال بر صاحبان فکر و اندیشه این مسأله پوشیده نیست که هر جامعه‌ای برای آن که از سلامت لازم برخوردار باشد و بتواند فرهنگ اصیل خود را حفظ نماید، باید از نظارت و کنترل اجتماعی برخوردار باشد. و اگر مرزهای کشور به سوی تمامی ابزارهای حرمت‌شکن، باز باشد و مسئولان کشور هیچ گونه محدودیت و کنترل بر ورود فرهنگ بیگانه در کشور نداشته باشند، طبیعی است که نتیجه این سهل‌انگاری غلط چیزی جز به نابودی کشاندن حیات فرهنگی آن جامعه از طریق دشمنان نخواهد بود.

عدم آشنایی با حقوق و جایگاه زنان در اسلام

به نظر نگارنده یکی از عواملی که توفیق مهاجمان را در عرصه تهاجمات فرهنگی افزایش داد، عوامزدگی زنان و دختران جوان در حوزه بینش و معرفت دینی بود. دشمن با سوء استفاده از این نقطه ضعف بارز در بین زنان و دختران جوان، شروع به سمپاشی و ایجاد شبهات و تردیدهای مکرر نسبت به جایگاه و حقوق زنان در اسلام کرد.

آنان با تمسك به برخی از روایات و آیات و با بهره‌گیری از بعضی از متون دینی، هجومی گسترده بر نظام عقیدتی زنان بالاخص دختران دانشجو وارد کردند و متأسفانه دختران جوان جامعه دینی هم با توجه به اینکه از کمترین اطلاعات در زمینه مسائل زنان برخوردار بودند، شدیداً تحت تأثیر این القائات سوء و به ظاهر مدافعانه و حق‌طلبانه قرار می‌گرفتند و نگرش منفی نسبت به دین و اعتقادات در آنان ایجاد می‌شد و این مسأله زمینه گرایش به مظاهر غرب و غرب‌زدگی و رویکرد آنان به سوی دگراندیشان را فراهم می‌نمود. متأسفانه اقدام لازم جهت آشنایی زنان با حقوق و جایگاه خود در اسلام صورت نگرفته است. مسأله‌ای که مکرر مقام معظم رهبری روی آن تأکید ورزید ولی اقدام جدی و مؤثری در این راستا صورت نپذیرفت و کمتر زمینه برای ارتقاء سطح علمی و معرفتی زنان ایجاد شد. شاید گفته شود ایجاد این همه فرصت‌های تحصیلی برای دختران و زنان، ایجاد دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه ویژه زنان، زمینه‌سازی جهت ارتقاء سطح علمی زنان بوده است؛ در حالی که باید به این مهم اذعان داشت که آن چه در این راستا صورت گرفت، هیچ کدام منجر به روشنگری و ارتقاء سطح علم و معرفت و بینش زنان نشد بلکه منجر به ارتقاء سطح مدرک آنان شد، ولی کمتر به تقویت بنیان‌های دینی و اعتقادی آنان پرداخته شد، از این‌رو وقتی در معرض تهاجمات گسترده و سهمگین دشمن در حوزه مسائل زنان قرار می‌گیرند، کمتر توان دفاع و ایستادگی از خود نشان می‌دهند و غالباً دچار انفعال می‌گردند. از این‌رو باید يك نهضت فراگیر و مؤثر در راستای ارتقای بینش زنان نسبت به رسالت‌های آنان و جایگاه بلند و رفیعی که در آموزه‌های دینی برای این قشر قائل شده و حقوق زنان، صورت گیرد و به نظر می‌رسد که هر چه سطح معرفت و شناخت زنان ارتقاء یابد، از میزان آسیب‌پذیری آنان از فرهنگ بیگانه کاسته خواهد شد.

عدم اشتغال مفید و عدم استفاده درست از فرصت‌ها

یکی از عوامل آسیب‌زا و زمینه‌ساز انحرافات اجتماعی - اخلاقی، وجود بی‌کاری و فرصت‌هایی است که افراد برنامه‌ریزی منسجم و صحیح و اصولی برای آنها ندارند. چرا که فرصت‌های زیاد بدون برنامه، عامل جذب شیطان و نقشه‌های شیطانی است از این‌رو پیامبر اکرم(ص) وقتی جوانی را دید که بی‌کار نشسته و از روی بیهودگی با چوب روی زمین خط می‌کشد، طبق نقل فرمود: «این حالتی است که خداوند از روی غضب و خشم به تو نگاه می‌کند و بهترین فرصت است برای اینکه شیطان به سراغ تو بیاید.»

تحقیقات و تجربیات نشان می‌دهد، بیشترین افرادی که در معرض انحراف اخلاقی قرار می‌گیرند، کسانی هستند که از اوقات بی‌کاری بیشتری برخوردارند. متأسفانه یکی از عمده‌ترین مشکلات زنان در جامعه ما، وجود اوقات بی‌کاری و بدون برنامه در زندگی آنان است؛ زیرا با ماشینی شدن زندگی، مسؤولیت‌های خانهداری کاهش یافته است. یکی از عمده‌ترین رسالت‌های متولیان تعلیم و تربیت، این است که تدابیری جهت ایجاد اشتغالات و سرگرمی‌های مفید و مؤثر برای زنان را فراهم نماید

از نظر عقلی اگر بررسی شود تربیت فرهنگی برای زنان در اجتماع آثاری دارد مانند استحکام خانواده اگر زنی امنیت آن تامین شود از لحاظ روحی نیز دچار آسیب نمی‌شود و می‌تواند در خانواده نشاط را حفظ کند

طلاق کمتر اتفاق می‌افتد امنیت حتی می‌تواند درون خانواده نیز موثر باشد حتی اگر زنی درون خانواده نیز امنیت آن تامین شود باعث میشود طلاق کمتر اتفاق بیفتد و فرزندان نشاط‌شان حفظ می‌شود

چکیده

در این مقاله راجع به امنیت فرهنگی زنان و آثار آن از نظر عقل و وحی می‌پردازیم

که این امنیت چگونه به وجود می‌آید؟ امنیتی که نعمتی است که زن به قدر نیاز از آن برخوردار نشد امنیت برای زن اگر به وجود بیاید آثار تربیتی دارد که از نظر عقل می‌تواند روی نسل، تحکیم خانواد اثر بگذارد و جامعه را به

سوی جامعه ایی سالم سوق دهد. یکی از مسائلی که در هر فرهنگ تمدن و در زندگی اجتماعی زن و همه انسان ها رکن اساسی میباشد و لازمه یک زندگی سالم است

برای به وجود آمدن این امنیت خود زن هم نقش فراوان دارد قسمتی از این مقاله درباره نقش خود زن در به وجود آمدن امنیت است

راهکارهایی که در دین مقدس اسلام جهت ایجاد و تقویت امنیت برای زنان بیان گردیده، عبارتند از حفظ حجاب و عفت بانوان و اجتناب از پوشش نامناسب و سخنان ناپسند است

بیان ارزش و اثر وجودی امنیت همین بس که به این جمله کوتاه از تعالیم حضرات پیشوایان اسلام توجه نمائیم که فرموده اند «النعمة نعمتان الصحة والامان نعمت اصلی دوتاست تندرستی و امنیت یا در عبارتی دیگر نعمتان مجهولتان الصحة والامان؛ دو نعمت است که قدرشان برای بشر مجهول میباشد تندرستی و امنیت در این بیان، ساده پیشوایان بزرگ دین در واقع خواسته اند تا حقیقت بزرگی را بیان کنند و آن از نظر وحی این که همه نعمتها در اصل در سایه این دو نعمت اصلی و بزرگ مثمر ثمر واقع میشوند و بدون آنها بشر قادر نمیشد تا از وجود سایر نعمتهای رنگارنگ جهان برخوردار گردد

کلید واژه:

تقویت امنیت، خانواده، جامعه، مجهول، مثمر ثمر

نتیجه گیری

امنیت ابعاد مختلف زندگی انسان را در برمی گیرد و از رعایت پرهیزکاری در نگاه آغاز شده و گستره های دیگر نظیر رعایت عفاف در آراستگی، گفتار، معاشرت، حضور قاعده مند در اجتماع، پرهیز از اختلاط با نامحرم و... را در برمی گیرد. الگو برداری از سیره ائمه معصومین(ع) از منظر امام خمینی، از مهمترین راههایی است که زنان می توانند از طریق آن امنیت اخلاقی را در جامعه ایجاد کنند که مهمترین راه وصول به آن حجاب و پوشش اسلامی و آزادی فرهنگی برای بانوان می باشد. به همان اندازه که ریشه های عفاف در روح انسان تقویت شود، قطعاً نوع نگاه آنها به فضائل اخلاقی عمیق تر می شود و از رذائل اخلاقی دوری می نمایند. یکی از فضائل اخلاقی پاک دامنی و عفت است که این سبیه اخلاقی بر حجاب نظارت مستقیم دارد. در شریعت محمدی(صلی الله علیه و آله و سلم) اهمیت فوق العاده ای به مسأله عفت و پاک دامنی داده شده است که با توجه به آیات الهی و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و با عمل به این رهنمودها و دستورات، عفاف عمومی و سلامت اجتماعی تضمین می گردد. گستره و ابعاد عفاف در قرآن کریم شامل عرصه رفتار فردی و اجتماعی، کنترل نگاه های حرام، تبرج و دوری از مصافحه و اختلاط با نامحرم و کیفیت و محتوا در گفتار و... بوده که در نهایت با حجاب ارتباط نزدیکی دارند و کامل کننده هم هستند. پوشش یک بعد و یک عرصه از عفاف است و رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند و بر هم تأثیر و تأثر می گذارند. سلوک و رفتاری توأم با وقار در انتخاب لباس و پوشش، از عفاف درونی خبر می دهد و از طرفی نوع پوشش و لباس انسان، در شخصیت گیری روحی و روانی و فرهنگی و دینی فرد مؤثر است. از اینجاست که قرآن کریم زنانی را که در بهشت جای دارند به مروارید محبوب تشبیه کرده است.

مناب مسکویه، علی بن احمد، تهذیب الاخلاق، انتشارات صدوق، قم، 1389، چاپ دوم.

امین، سیده نصرت، مخزن العرفان، نهضت زنان مسلمان، تهران،

منابع

قرآن

اسما امین حسن مقاله زن مسلمان در بیداری اسلامی در کتاب زنان و بیداری اسلامی

نگاه پاک زن و نگاه آلوده به او احمد صیوراردوبادی ص ۱ انتشار ۱۳۹۰ چاپ دوم

زیبیدی ۱۴۱۴ ق

فتاحی زاده حجاب از دیدگاه قرآن و سنت ص ۱۵۳

مکارم شیرازی تفسیر نمونه ج ۱۷ ص ۲۸۹

مطهری مسأله حجاب ص ۲۰۶

پوشش در اسلام ص ۳۳

حر عاملی ج ۱۲ ص ۱۶۶

محمد حسین طباطبائی ج ۱۳ ص ۱۶۱

تفسیر نور قرآنی ج ۷ ص ۷۵

مکارم شیرازی تفسیر نمونه ج ۱۲ ص ۱۷۵

سیوطی الا تقان فی علوم القرآن ج ۲ ص ۱۰۲

نهج الفصاحه ص ۵۰۲ حدیث ۷۴۴

مخزن العرفان ص ۲۲۶

دکتر شکوه نو ابی نژاد ۷۹

مناب مسکویه تهذیب الاخلاق